

حذف ورزشی نویسان

گفت: این درسته که ورزشی‌نویسان استان را به درهمی نخرند و برای آنها تره ای خرد نکنند؟

گفتم: این عقیده‌ی توست، ورزشی‌نویسان اردبیل قیمت‌شان بالا است، عزت و استقلال برای خیلی از آنها با هیچ‌چیز قابل معامله نیست.

گفت: به‌همین خیال باشید و در رؤیاهایتان سیر نکنید. ورزشی‌نویسی که در دستگاه ورزش جایگاهی نداشته باشد مردن‌اش بهتر از نفس کشیدن‌اش است.

گفتم: خبرنگاران مستقل ورزشی خیلی وقته مرده‌اند. از آن زمانی که حقایق را نوشتند و الکی، قلم به تعریف و تمجید نچرخاندند در فضای ورزش ما مردند، دیگر نیازی به فرمایشات شما نیست.

گفت: من اگر جای شما بودم قلم‌ام را می‌شکستم و برای همیشه عطای قلم زدن در ورزش را به لقایش می‌بخشیدم. با چه زبانی به شما بگویند که اضافه‌اید. یک مقدار واقع‌بین باشید. آنها که در رکاب وزیر و مدیر بودند ورزشی نویس هستند، شما کشک هم نیستید.

گفتم: چه باید کرد، برخی‌ها عاشق تصویر، فیلم و جعبه جادویی هستند. دوست دارند، بیشتر دیده بشوند، فکر می‌کنند هر چقدر فیلم داشته باشند به همان اندازه معروف‌تر و ماندگارتر هستند. به این روش هم هیچ ایرادی نیست بگذار با دیده شدن حال بکنند و به آینده امیدوار شوند.

گفت: تو هم راست می‌گویی، برخی‌ها «قاپی قیفالاما» دعوت‌شده بودند، مدیرشان هم در صف اول بود، دوستان و نورچشمان روابط‌عمومی هم از وزیر عجب سؤال‌های چالشی کردند و زبان گویای ورزشکاران شدند.

گفتم: به من و تو چه مربوط است که خیلی از ماها در پیچ‌وخم تشخیص ورزش حرفه‌ای و آماتور گیر کرده‌ایم

گفت: خیلی‌ها فکر و ذکرشان طرح سؤال‌های این‌چنینی است، سؤال‌هایی که می‌تواند زمینه خندیدن خیلی‌ها به ریش خبرنگاران اردبیل را فراهم کنند. همین‌که ورزشی‌نویسان آشنا به امور ورزش در صحنه نباشند برای خیلی‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است.

از قدیم گفته اند: «در همیشه روی یک پاشنه نمی چرخد» باید بدانیم، زمانی می رسد که «دمیر قاپونین تاختا قاپیا ایشی توشر». حقانیت رسانه‌های مکتوب و برخط برای همیشه زیر ابر نخواهد ماند.